



علل چیرگی خوشی و شادی در سبک خراسانی

آر شام نورمحمدپور عمرانی^۱

۱- دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگیان پردیس دکتر شریعتی ساری

چکیده

بسیاری از شاعران سبک خراسانی، شادی را لازمه شعر خود می دانستند و این در شعر این دوره ملموس است. آن ها با بهره گرفتن از هنر های مختلف در شعر خود، جان تازه ای در روح ادبیات پارسی دمیدند. با توجه به سادگی اشعار، مفاهیم بنیادین و عمیقی را بیان کردند. مهم ترین عنصری که از آن الهام گرفتند طبیعت بود و توانستند از تمام پدیده های طبیعی در اشعار خود بهره بگیرند و علت آن رابطه ی جداناپذیر انسان از محیط زندگی اش بود. یکی از مهم ترین عواملی که در توسعه شعر و شاعری در سبک خراسانی تاثیر فراوان داشت، وجود سلسله های ایران دوستی مانند سامانیان بود، که به شکوفایی فرهنگی و تمدنی دست یافته بودند و با مدارا و اجتناب از تعصب و تنگ نظری و به خاطر علاقه زیادی که به زبان و ادب پارسی داشتند از ادیبان و شاعران حمایت می کردند، آن ها را تشویق می کردند تا گام های بلندی برای احیای ادبیات پارسی بردارند، به این خاطر آثار نفیسی در این دوره به وسیله این ادیبان با حمایت این امیران و وزیران فرهنگ پرور به رشته نگارش درآمد.

واژگان کلیدی شادی، علل شادی، چیرگی خوشی، سبک خراسانی



مقدمه

سبک خراسانی نیمه دوم قرن سوم، قرن چهارم و قرن پنجم را شامل می شود (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۴). علت نام گذاری این سبک به خراسانی به خاطر وجود نخستین آثار نظم و نثر است که در مناطق خراسان کنونی، افغانستان و تاجیکستان کنونی، سرزمین های ماورالنهر و ترکستان به نگارش در آمد (همان: ۲۱). از شاعران معروف این دوره می توان رودکی، منوچهری، عنصری، فرخی سیستانی و فردوسی و ناصر خسرو و ... را نام برد. شعر شاعران این دوره آینه تمام نمای جهان آباد، طبیعت زیبا، مردم آسوده و زمانه آرمیده است (دبیرسیاقی، ۱۳۷۴: ۱۱) از مفاهیم پر کاربرد این دوره روحیه آسان گیری و شاد باشی است (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۷) که علل این روحیه شادگرایی و تساهل در ادامه بررسی می شود. علل به صورت پراکنده در رساله ها و مقالاتی بررسی شده ولی اهمیت این مقاله در این است که این علل یکجا جمع آوری و دسته بندی شده است. هدف این پژوهش آشنایی با انواع علل شادی در شعر این دوره است.

روش تحقیق:

در نوشتن این مقاله از روش کتابخانه ای استفاده شده و همچنین از کتاب ها و رساله ها و مقالات مرتبط با سبک خراسانی بهره گرفته شده است.

یافته ها

۱- علل شادی در شعر سبک خراسانی :

۱- توجه شاعران این دوره به ایران باستان

شاعران این دوره با معارف پیش از اسلام آشنایی داشتند، که این آشنایی به خصوص، تاثیر در احیاء مراسم ها مثل نوروز و جشن سده و بهمنجبه و ... داشت (شمیسا، ۱۳۸۸: ۶۳) از مفاهیم ایران باستان شادی و تساهل است که در شاعران این دوره تاثیر زیادی داشت. در ذات ایران باستان شادی همراه با تامل بود (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۴۵) و اعتقاد آن ها این بود که زندگی بر گذر است و باید شاد بود (همان: ۵۱)

یکی از شاعرانی که توجه زیادی به دوره ایران باستان نشان می داد، ابو منصور محمد بن احمد توسی (۳۲۰ - ۳۶۷ ه ق) که بیشتر به کوتاهی نام (دقیقی) شناخته می شود که در دربار (نوح بن منصور سامانی) حضور داشت، احتمالاً زردشتی بود (رضوی بهابادی، ۱۳۸۱: ۱۷) و به همین خاطر به اصطلاحات زردشتی اشاره داشت و علاقه زیادی به آیین زردشتی داشت، که این خبر از آزاد اندیشی شاهان سامانی و توجه همگانی به ایران پیش از اسلام دارد (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۱).

یکی زرتشت وارم آرزویست
که پیشش زند را خوانم از بر (همان)

دقیقی چهار خصلت برگزیدست
لب یاقوت رنگ و ناله چنگ
به گیتی از همه خوبی و زشتی
می چون زنگ و کیش زردهشتی (همان)



شاعر دیگری که توجه به ایران باستان داشته، ابوالحسن علی بن جلولوغ سیستانی معروف به فرخی سیستانی (متوفی ۴۲۹ه ق) است، که در دربار (سلطان محمود غزنوی) حضور داشت، که روحیه او ایرانی روستایی ساده و شاد بوده که این از دیدگاه های ایران باستان است. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۴۴)

یاد باد آن شب کان شمسه خوبان طراز
من چو مظلومان از سلسله نوشروان
به طرب داشت مرا تا به گه بانگ نماز
اندر آویخته زان سلسله زلف دراز (همان)

۱-۲ توجه شاعران به مراسم ها و جشن های ایران باستان

از دیگر ویژگی های شعر سبک خراسانی توجه آن به آداب و رسوم و سنت های ملی و میهنی است و با مطالعه فرهنگ ایران باستان، با نام جشن ها و آیین های دینی و مذهبی زیادی روبرو می شویم. زندگی و امرار معاش مردم بر اساس دو اصل کشاورزی و دامداری قرار داشته و فقدان امکانات کشاورزی سبب ایجاد ارتباط بیشتر افراد با یکدیگر می شد و همین خود انگیزه بزرگی جهت برپایی مجلس ها و جشن ها و در کل شادی بود و این مراسم ها به مرور زمان تبدیل به مجلس های رسمی شدند مانند نوروز، سده، بهمنجه، مهرگان و... (گرامی، ۱۳۹۵: ۷) برخی از این جشن ها در راستای تلاش ایرانیان برای سرسبزی طبیعت و حفظ عناصر چهارگانه طبیعت بود. از آن جمله جشن (آبانگان) که جشن سپاس از نعمت آب بود. جشن (آذرگان) در جهت حفظ و سپاس از نعمت آتش بود. (همان)

نیا را همی بود آیین و کیش
بدان گه بودی آتش خوهرنگ
پرستیدن ایزدی بود کیش
چو مر تازیان راست محراب سنگ (فردوسی)

این جشن ها برای شاعران هم دستاویزی بود که با سرودن اشعار خود در مدح و ستایش شاهان صله ها و جایزه هایی گرانبها بگیرند (همان: ۱۱) و فقط در این دوره مشاهده می شود که شاعران این دوره به جشن های ایرانی توجه نموده و آن ها را در شعر خویش بازگو کنند. (گرامی، ۱۳۹۵: ۴۶) و اکثرا جشن های ایرانی مانند جشن (سده) در دوره سامانیان برگزار می شد (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۹).

نخست باری که سامانیان گفتندی
چندی از اشعار مربوط به جشن ها
که رسم و سیرت من داده ملک را سامان (همان، عنصری)
_ملکا جشن مهرگان آمد
جشن شاهان و خسروان آمد
خز به جای ملحم و خرگاه
بدل باغ و بوستان آمد
مورد به جای سوسن آمد باز
می به جای ارغوان آمد (همان: ۴۸، شعر رودکی درباب جشن مهرگان)



می خوشبوی فراز آور و بربط بنواز
که همی بلبل بر سرو کند بانگ نماز (همان: ۵۴، شعر منوچهری

ز افریدون و از جم یادگارست (همان: ۱۵۳، شعر عنصری در باب

به فیروزی این روز را بگذران
دنان و دمان و چمان و چران (همان: ۱۶۰، شعر منوچهری در باب

نوبهار آمد و آورد گل تازه فراز
به قدح بلبله را سر به سجود آور زود
در باب جشن نوروز)

سده جشن ملوک نامدارست
(جشن سده)

در آمد تو را روز بهمنجه
بزی همچین سالیان دراز
(جشن بهمنجه)

۱-۳ تقلید از اعراب

شعر فارسی دری مخصوصا در چند قرن نخستین تحت تاثیر شعر عرب بود. عرب ها قومی مردسالار بودند و زن در شعر آن ها ارج و قربی نداشت حال آن که جامعه ایران جامعه کشاورزی بود و زن در نزد آنان مقام والایی داشت. اما گاهی معشوق در ادبیات فارسی مذکر است که بیش از آن که تحت تاثیر اعراب باشد بیشتر تحت تاثیر ترک ها است (شمیسا، ۱۳۸۸: ۶۴) زیپاکی و از پارسایی زن که هم غم گسار است هم رایزن (فردوسی، بخش پادشاهی خسرو پرویز) مسئله دیگری که مطرح است این است که اشعار رودکی در بعضی از موارد مثل خمريات شبیه به اعراب به خصوص (الحسن ابن هانئ الحکمئ) مشهور به ابونواس است.

چندی از اشعار مشابه

ابونواس خمر را ریحانه الکاس می خواند و زیرا بیش از آن که جسم را زنده کند روح را زنده می سازد
کاس من الراح العتیق بریحها
قبل المذاقه فی الرووس تسور (نجاریان و کهدویی، ۱۳۹۰، ابونواس)
زان می که گر سرشکی زان چکد به نیل
صد سال مست باشد از بوی او پلنگ (همان، رودکی)

۱-۴ استفاده از تشبیهات

فن تشبیه و وصف دومین شاهکار ادبای قدیم ایران بوده و بعد از اشعار روایی و نقلی، اشعار وصفی و تعریفی گفته شده و به همین علت تشبیهات و تعریفات بسیار طبیعی تر و دلچسبتر نسبت به دوره های بعد از خود است (بهار ملک الشعرا، ۱۳۷۷: ۳۲۶) شاعران این دوره از جزئیات طبیعت و واقع گرایی و بیرون گرایی بهره می بردند، و در این راستا از تشبیه مرکب و تفضیلی استفاده می کردند (شمیسا، ۱۳۸۸: ۶۹)

تشبیه مرکب در نظر منوچهری دامغانی (درگذشت ۴۳۲ه ق) ابزاری برای توصیف طبیعت است، بار عاطفی بسیاری از توصیفات طبیعی در شعر منوچهری بر عهده تشبیه مرکب است. منوچهری با تشبیه مرکب قصد گسترش حوزه تصاویر مرتبط با گل ها و پرندگان و رخداد های طبیعی را داشته است (حکیم آذر، ۱۳۹۰: ۴۶)

نارنج چو دو کفه سیمین ترازو
هر دو ز زر سرخ طلای کرده برونسو
آکنده به کافور و گلاب خوش و لولو
و آنگاه یکی زرگرک زیرک جادو



بازر به هم باز نهاده دو لب هر دو
 رویش به سر سوزن بر آژده هموار (منوچهری، ۱۳۶۳: ۱۴۸)

تمامی تصاویر ابیات بالا از آن مشبه به است و وجه شبه هم مانند مشبه به مرکب است. (حکیم آذر، ۱۳۹۰: ۴۶)

آن خوشه های رز نگر آویخته سیاه
 گویی همی شبه به زمرد در اوژند

و آن بانگ چو زد بشنو در باغ نیم شب
 همچون سفال نو که به آتش فرو زنند (کسائی مروزی)

تشبیهات مرکب حسی و تشبیه محسوس به محسوس و تمثیل در اشعار این دوره به وفور پیدا می شود (شمیسا، ۱۳۸۸: ۷۰)

پدید آمد هلال از جانب کوه
 بسان زعفران آلوده محجن (منوچهری)

۱-۵ کسب درآمد و صله های فراوان از راه دربار

همانطور که گفته شد شعر این دوره شاد و پرنشاط است و روحیه تساهل و خوش باشی را تبلیغ می کند و از محیط های اشرافی و گردش و تفریح و باغ و بزم سخن می گوید، یکی از دلایل آن اعتقاد آن ها به دیدگاه ایرانیان باستان است (که در قسمت ۱-۱ به طور کامل در مورد آن توضیح داده شد.) و رفاه سیاسی و اقتصادی در زمان سامانیان و تا حدی غزنویان است (۹-۱) و دلیل دیگر زندگی خود شاعران است که صله و پاداش فراوانی می گرفتند و مرفه می زیستند و به دربارها رفت و آمد داشتند. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۶۳)

خواجه ابوالفضل بلعمی (در گذشت ۳۲۹ ه ق) که وزیر نصر بن احمد سامانی بود یکی از مشفقان سرسخت رودکی بود و در این راه به رودکی صله های فراوانی اعطاء می کرد و یکی از ممدوحان وی نیز بود، و از این راه رودکی ثروت زیادی کسب کرد و یکی دیگر از ممدوحان رودکی ماکان بن کاکای (از سرداران دیلمی را ستوده است و از او صله های گران گرفته است چنانکه گوید (دبیر سیاقی، ۱۳۷۴: ۱۷):

بداد میر خراسانش چل هزار درم
 وزو فزونی یک پنج میر ماکان بود

رودکی از راه دریافت صله درآمد زیادی به دست آورد و شنیده ها حاکی از آن است که ۴۰۰ شتر و مال و ثروت داشت و علت همه این ها مدح پادشاهان و دربار بود و در اشعارش از ناز و نعمت و حشمت و برخوردارگی از جوانی و سرمستی و اقبال مردمان و نوازش امیران و بزرگان سخن گفته است. (همان: ۱۸)

عنصری شاعر دوره سلطان محمود و فرخی نیز در همین دربار بود و مورد لطف و ستایش سلطان واقع می شدند و شاعران در دوره های بعد به خاطر مال زیاد عنصری و فرخی غبطه فراوانی می بردند (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۳۲).

۱-۶ تاثیر موسیقی در شاعران

اغلب شاعران این دوره با موسیقی آشنایی داشتند و در جمع پادشاه و درباریان شعر میخوانند و ساز می نواختند. گفته شده رودکی چنان تیزهوش و زود یاب بود که به خردی قرآن را به تمامی از بر کرد و خواندن و نوشتن آموخت و شعر گفتن گرفت و معانی دقیق در قالب الفاظ رنگین و ساده کرد و چون آوازی خوش و صوتی دلکش داشت خنیاگری و بربط نوازی (عود)^۱ را با شعرسرای یار کرد و جان ها را مایه فریبهی شد و خاطر ها را شادمانی بخشید (دبیر سیاقی، ۱۳۷۴: ۱۶)

رودکی با بربط و چنگ خود دل های نازنینان و گردنکشان را به دام آورده بود. (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۱)



از دیگر شاعرانی که به موسیقی علاقه مند است منوچهری است که دیوانش مجموعه ای از (بنشیند، بنوشد، موسیقی گوش دهد و نشاط کند) است (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۱۹۱)

فرخی سیستانی نیز رود می نواخته و خوش آهنگ تر و متکامل تر نسبت به دوره سامانی (رودکی و شهید) بوده است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۴)

روز گشتی شب کان زلف به رخ کردی باز	خیره گشتی مه، کان ماه به می بردی لب
من نوازنده او گشته و او رود نواز	او هوای دل من جسته و من صحبت او
بینی آن شعر سراییدن با چندین ناز (فرخی)	بینی آن رود نوازیدن با چندین کبر

۱-۷ تأثیر پذیرفتن از طبیعت

یکی از عناصر طبیعت این است که بشر از گذشته در طبیعت بوده و رابطه نزدیکی با طبیعت برقرار کرده و ادبیات زنده ترین نمودار و گویا ترین رابطه بشر با طبیعت است چون انسان مطالب مربوط به طبیعت را در این ادبیات آورده است. (شیخلو، ۱۳۹۵: ۵) و بی شک آن چه ادبیات کهن فارسی را زیر بنا است طبیعت است (همان: ۵) در سبک خراسانی شاعران عشق و علاقه ای که داشتند را به وصف طبیعت وادار می کردند (همان: ۶) و منبع الهام شاعران نتیجه تجربه مستقیم آن ها با محیط درباری، صحنه ها و سفرهای رزم و شکار، جمال معشوق و مسائل رایج زمانه بود (همان: ۷)

دیوان هر یک از شاعران ایرانی را که بخوانیم چنان این تاثیر از جلوه ها و مناظر طبیعی را در شعرشان فراوان می بینیم که گویی یک دم از طبیعت دست برداشته اند و علت آن این است که آدمی از بدو تولد در دامان طبیعت زیسته، ناچار هر چه در ذهن دارد صورتی از عالم بی کران طبیعت است (همان: ۸۶)

۱. نوعی ساز زهی زخمه ای که از معمول ترین سازهای قدیمی ایران است، نام دیگر آن رود نیز است.



یکی از مراسمی که با استفاده و بهره‌وری از طبیعت انجام می‌شد و زمان آن هم در بهار بود این بود (که کمند^۱ می‌انداختند و اسب را می‌گرفتند و می‌بخشیدند) که این مراسم نشان‌دهنده بی‌پروایی در خوشگذرانی و شادی فراوان هست. (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۱۷۱)

یکی از علت‌های توجه شاعران سامانی به طبیعت و گل و سبزه و هوای خوش و بهار به خاطر چهار فصل بودن ایران از سمرقند و بخارا و تا مدیترانه همگی این ویژگی را داشتند (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۳: ۴۱)

شاعران نخست در مدح خود از مظاهر طبیعت (مانند بهار، خزان، صبح، شب، ابر، رود و ...) استفاده می‌کردند (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۳۲).

چندی از اشعار در وصف طبیعت:

به باغی در او سایه شاخ طوبی
به باغی در او چشمه حوض کوثر (دیوان فرخی: ۵۴)

تا برآمد جام‌های سرخ رنگ از شاخ گل
پنجه‌ها چون دست مردم سر برآرد از چنار (فرخی)

خزان پشیمان شود ز کرده خویش
چنان که بدکنشان بر صراط روز حساب (عنصری)

منوچهری شاعر طبیعت است و علت آن این است که بخشی از جوانی او نیز گویا در کناره‌های دریای خزر و دامنه‌های البرز به سر آمده و تاثیر این محیط عشق به طبیعت را به او القاء کرد (همان: ۳۹) از کلمات برجسته (انواع گل و پرند، شب و ستاره و باده) استفاده کرده و به همین علت منوچهری به شاعر شب معروف است (شمیسا، ۱۳۸۸: ۵۰)

۱-۸ مدیحه سرایی و تشبیب

علت دیگر شادی و خوشباشی به خاطر مدح کردن و در کل مدیحه سرایی بوده است (شمیسا ۱۳۸۸: ۴۹)

از دیدگاه بلاغیون قصیده به چهار بخش (تشبیب)، (تنه اصلی)، (تخلص)، (شریطه) تقسیم می‌شود، در این راستا شاعران می‌کوشیدند با رعایت ساختار چهارگانه ی قصیده که تشبیب در راس آنها قرار داشت، اشعار درخور توجهی در مدح سلاطین معاصر خود بسرایند. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۷)

تو راه که زمینی بس از من این که کنم
تخلص از غزل تو به مدح شاه زمن (عنصری، ۱۳۶۳: ۲۳۲)

نه همه حکمت خدا اندر یکی شاعر نهاد
نه همه بویی بود در نافه‌های مشک چین

شاعری تشبیب داند شاعری تشبیه و مدح
مطربی قالوس داند، مطربی شکر توین (منوچهری دامغانی، ۱۳۶۳: ۸۰)

۱. طنابی بلند با سری حلقه مانند برای گرفتار کردن انسان یا حیوان

کارکرد انگیزشی مقدمه‌ی قصاید وجود مخاطبی خاص به نام ممدوح و نیز وجود هدفی ویژه مثل دریافت صلح و پاداش و جوه اهمیت تشبیب را آشکار می‌کند. (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۹)

گرچه خوش تر باشد آن شعری که در تشبیب او
هم حدیث عشق باشد هم حدیث زلف و خال

روز عید روزه داران را چنین گویند شعر
هم ستایش هم دعا هم تهنیت هم حسب حال (معزی، ۱۳۱۸: ۴۵۶)



۱-۹ توجه بیش از حد امیران سامانی و سلطان محمود غزنوی به شاعران

دربار نصر بن امیر سامانی که رودکی نیز در آن جا حضور داشت، روزگار شعر و ادب بود، پادشاه به شعر و موسیقی علاقه داشت و دوره سی ساله سلطنت او روزگار رونق و شکوه فرمانروایی سامانیان بود (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۳). فرخی در دوره محمود غزنوی بود که عصر آرامش و رفاه و قدرت بود که این رفاه و حال خوب در اشعار فرخی سیستمی تاثیر بسزایی داشت و شعر منوچهری در دوره مسعود غزنوی بود که عصر توطئه ها نام دارد. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۵۱)

شعر منوچهری در مورد اوضاع آشفته پادشاهی آن زمان (سلطنت مسعود غزنوی)

گاه توبه کردن آمد از مدایح وز هجی	کز هجی بینم زیان و از مدایح سود نی
از حکیمان خراسان کو شهید و رودکی	بو شکور بلخی و بوالفتح بستی هکدی
گو بیاید و ببیند این شریف ایام را	تا کند هرگز شما را شاعری کردن کری؟
اندرین ایام ما بازار هزل است و فسوس	کار بوبکر ربابی دارد و طنز ججی

در دربار سلطان محمود غزنوی نام دین و خلیفه و مسلمانی می آمد ولی هدف دنیا و لذت و آوازه جویی بود و همچنین مجالس باده و شراب و خوشگذرانی را علاوه بر سلطان امیران و وزیران نیز داشتند (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۳۰). سلطان نیز فقط به شاعرانی صله می داد که درباره او شعر بگویند به همین خاطر اشعار فردوسی که در آن خبری از تعریف از سلطان نبود صله ای داده نشد و به او گفتند صله را از سلاطین شاهنامه ات بگیر (همان: ۳۲)

۱-۱۰ شعر لحظه ها و نگاه ها

شاعر یک پدیده را در نظر می گیرد و شعر می گوید، درک شعر در گرو مجسم کردن دقیق تابلویی است که شاعر رسم کرده است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۷۲)

نگاه کن به گل سرخ ناشکفته تمام	چو لعبتی که شمن را همی نماز برد
بسان دو لب معشوق سرخ و کوچک و تنگ	که گاه بوسه به عاشق همی فراز برد (کوکبی)

این شعر های لحظه ها و نگاه ها هم از نظر اسلوب و هم از نظر کلماتی یادآور اشعار کهن چینی و ژاپنی (هایکو) است (همان: ۶۹). به شعر لحظه ها و نگاه ها می توان هایکوی ایرانی گفت. این شعر خاص شاعران مشرق ایران در عهد سامانی بود و تا زمان سلطان مسعود غزنوی نیز هم از آن نمونه هایی داریم و به احتمال زیاد شاعران شرق به سبب مجاورت با سرزمین چین به این شیوه آشنا شده بودند. در شعر لحظه ها و نگاه ها مطلبی مطرح نمی شود بلکه شاعر نگاه خاص خود را به یکی از اجزاء و پدیده های طبیعت که در لحظه ای خاص کشف کرده است به کمک تشبیه به خواننده منتقل می کند. در حقیقت شاعر با تشبیه مرکب حالت خاصی از یکی از پدیده های طبیعت مثلا قرار گرفتن قطره باران را بر برگ یا سرگردان بودن برفدانه ها را در هوا توصیف می کند. (همان: ۷۲)

ز صحرا سیل ها برخاست هر سو	دراز آهنگ و پیچان و زمین کن
چو هنگام عزایم زی معزم	به تک خیزند ثعبانان ریمن
پدید آمد هلال از جانب کوه	بسان زعفران آلوده محجن



چنان چون دو سر از هم باز کرده ز زر مغربی دست آورنجن (منوچهری)

۱-۱ نبود غمی که در دوره های بعد به وجود آمد

مغولان در اوائل قرن هفتم به خراسان حمله کردند و بعد به تدریج به نواحی دیگر ایران رسیدند و به نظام اقتصادی و کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب های زیادی رساندند. خراسان که کانون فرهنگ ایران بود و مدارس و کتابخانه های متعدد داشت و قبلا در حمله سلاجقه و غزان آسیب دیده بود این بار یک سره متلاشی شد (شمیسا، ۱۳۸۸: ۱۸۷)

شعر خاقانی در مورد خوشباشی و شادی عنصری و مدح عنصری از پادشاهان:

ز ده شیوه کان حیلت شاعری ست زده شیوه شد داستان عنصری
نه تحقیق گفت و نه وعظ و نه زهد که حرفی نداشت از آن عنصری (خاقانی)

۱-۱۲ وصال

معشوق مقام والایی ندارد و حتی گاهی او پست است، به همین خاطر شاعر همیشه به معشوق دسترسی دارد و همیشه وصال رخ می دهد و از او دور نمی شود، به همین دلیل شاعر شاد است و معشوق در کنار او است (شمیسا، ۱۳۸۸: ۶۴) همانطور که در (۳-۱) اشاره شد معشوق گاهی مذکر است که این نشان دهنده وصال همیشگی است.

ز بهر وصلش هر حیلتی همی سازم وصال باشد با او مرا به حیله مگر (عنصری)

۱-۱۳ قالب مسمط

منوچهری در ساختن نوعی شعر به نام مسمط که خود در زبان فارسی متداول کرده استاد است، از موضوعات مسمط او می توان به وصف طبیعت و شراب و انگور اشاره کرد. (رضوی بهابادی، ۱۳۸۱: ۴۷)

بوستانبانا امروز به بستان بده ای؟ زیر آن گلبن سبز عماری شده ای؟
آستین برزده ای دست به گل برزده ای؟ غنچه ای چند ازو تازه و تر برچده ای؟
دسته ها بسته به شادی بر ما آمده ای؟ تا نشان آری ما را دل افروز بهار؟ (منوچهری)

بحث و نتیجه گیری

همانطور که بیان شد از مفاهیم پر کاربرد سبک خراسانی شادی گرایی و خوشباشی است که موضوع این مقاله بود و علل آن نیز مورد بررسی قرار گرفت، کتاب های سبک شناسی در مورد این موضوع به اختصار پرداختند و مطالبی را ارائه کردند. ولی این مقاله به جمع آوری آن مطالب و بحث و بررسی و تجزیه و تحلیل آن پرداخته است.

ایرانیان باستان با توجه به اعتقاداتی که داشتند سبک زندگی شاد را برگزیدند و همیشه شاد زیستند و این تفکر همچنین در دوره ی سبک خراسانی ادامه یافت و شاعران شعرها و مطالبی شاد ارائه کردند که نشان دهنده ادامه دادن راه ایرانیان باستان است، البته این موضوع به ندرت در شعرهای شاعران دوره های بعد مشاهده می شود. در این دوره پادشاهان و سلاطین سامانی و غزنوی تاثیر به سزایی در این زمینه داشتند و حامی شاعران وادیان بودند و صله و پاداش فراوانی به آن ها می دادند. بعد از پایان گرفتن سبک خراسانی، به خاطر شرایط اجتماعی و سیاسی که بر کشور حاکم شد در دوره های بعد سبک



های جدیدی شکل گرفت که در این مقال نمی گنجد. شاعران این دوره ها بسیار اشعار نغزی سرودند که وصف نشدنی هست ولی در زمینه شادی و خوشی هیچ دوره ای به اشعار سبک خراسانی نمی رسد.



منابع

الف. کتاب ها

- اسلامی ندوشن، محمد علی، ۱۳۸۳، از رودکی تا بهار، چاپ اول، تهران، چاپخانه راد
- بهار، محمد تقی به اهتمام کیوان، کیومرث، ۱۳۷۷، سبک شناسی زبان و شعر فارسی، چاپ اول، تهران، چاپخانه رامین
- دبیر سیاقی، محمد، ۱۳۷۴، پیشاهنگان شعر پارسی، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- رضوی بهابادی، سید علی، ۱۳۸۱، زندگینامه شاعران بزرگ ایران، چاپ اول، یزد، انتشارات بهاباد
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۴۳، با کاروان حله، چاپ اول، تهران، انتشارات جاویدان
- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۸، سبک شناسی شعر، ویرایش دوم، تهران، نشر میترا
- عنصری، حسن بن احمد، به اهتمام دبیر سیاقی، محمد، ۱۳۶۳، دیوان، تهران، انتشارات سنائی
- فرخی سیستانی، غلب بن جولوغ، به اهتمام دبیر سیاقی، محمد، ۱۳۷۱، دیوان، چاپ چهارم، انتشارات زوار
- معزی نیشابوری، به اهتمام اقبال آشتیانی، عباس، چاپ اول اول، تهران، کتابفروشی اسلامیة
- منوچهری دامغانی، به اهتمام دبیر سیاقی، محمد، ۱۳۶۳، دیوان، تهران، انتشارات زوار

ب. مقالات

- حسینی، سید الهام، آقا حسینی، حسین، شفیع‌یون، سعید، سیر تحول تشبیب در شعر سبک های خراسانی و عراقی، مجله علمی - پژوهشی شعر پژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، سال دوازدهم، شماره ی چهارم، زمستان ۱۳۹۹، پیاپی ۴۶، ۱۱۷-۱۳۸
- حکیم آذر، محمد، تشبیه مرکب، فنون ادبی، علمی - پژوهشی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ۳۰-

۵۴

- نجاریان، محمدرضا، کهدویی، محمد کاظم، نگاه شاعرانه رودکی و ابونواس به خمريات، نشریه ادبیات تطبیقی علمی - پژوهشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۰

پ. رساله

- نویسنده: گرامی، افخم، استاد راهنما: شجری، رضا استاد مشاور: فولادی، علیرضا، جشن های ایران باستان در سبک خراسانی، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دی ماه ۱۳۹۵



The reasons for the predominance of joy and happiness in the Khorasani style

Arsham nourmohammadpour omrani¹

1. Continuous undergraduate student of Persian language and literature education at Dr. Shariati Sari Campus

Abstract

Many poets of the Khorasani style considered happiness as a necessity in their poetry, and this is tangible in the poetry of this period. They breathed new life into the spirit of Persian literature by using different arts in their poetry. Due to the simplicity of the poems, they expressed fundamental and deep concepts. The most important element from which they were inspired was nature, and they were able to use all natural phenomena in their poems, and the reason for that was the inseparable relationship between man and his living environment. One of the most important factors that influenced the development of poetry and poetry in the Khorasani style There were many friendly Iranian dynasties like the Samani, who had achieved cultural and civilizational prosperity and supported writers and poets with tolerance and avoiding bigotry and narrow-mindedness and because of their great interest in Persian language and literature. They encouraged them to take great steps to revive Persian literature, for this reason, Nafisi works were written in this period by these writers with the support of these emirs and ministers of culture.

Keywords: happiness, causes of happiness, Khorasani style